

راه‌های معادشناسی

سید حسن بطحائی گلپایگانی

در این پژوهش بعد از بیان ابزارهای شناخت حقیقت به طور کلی، به کارکرد و جایگاه هر یک از آنها در درک و استدلال بر حیات اخروی مورد نقد و بررسی قرار گرفته و با بیان ناکارآمد بودن ابزار حسی و تجربی به راه مکاشفه عرفانی برای فهم عالم آخرت پرداخته و با بیان این که راه علاوه بر دشواری آن، برای غیر اولیای خدا راه همواری نیست، به راه سوم یعنی استفاده از براهین عقلی پرداخته شده و یادآور شدیم که فهم امکان ذاتی و وقوعی و ضرورت رستاخیز با براهین عقلی شدنی است ولی شناسایی کیفیت حیات اخروی صرفاً از راه دلیل نقلی و ایمان به پیامبران و وحی است.

مقدمه

بیاورد؟ با چه ابزاری می‌توان با عالم غیب و آخرت آشنا شد؟ ابتدا لازم است به ابزار شناخت حقیقت به طور کلی اشاره شود و سپس نقش محتمل هر یک از آنها درباره شناخت عالم آخرت نقد و بررسی شود. و مشخص شود که نهایتاً با کدام یک از آنها می‌توان معاد را شناخت و اثبات

یکی از مباحث مربوط به معاد و حیات اخروی، بحث درباره راه‌های شناخت معاد است؛ به این معنا که انسان با چه ابزارهایی می‌تواند به حقیقت رستاخیز که یکی از امور غیبی است آگاه شود و به وجود حیات اخروی ایمان

کرد.

ابزار شناخت حقیقت

در نگاه کلی، ابزار شناخت، عبارتند از: حسن و تجربه، عقل و برهان، ظواهر دینی و نصوص، و بالأخره کشف و شهود. علامه طباطبایی^(۱) در این زمینه می‌نویسد: «در هر موردی که خواسته باشیم به عنوان یک «انسان درک کننده» چیزی را درک کنیم با یکی از این سه راه (یا بیشتر از یکی) درک می‌نماییم: اگر ممکن است از راه عیان و مشاهده نایل می‌شویم و اگر نه از راه استدلال که با منطق خدادادی دستگیرمان می‌شود به دست می‌آوریم و اگر نه، از کسی که مطلب مزبور را از راه مشاهده و عیان یا قیاس و استدلال به دست آورده فرا گرفته تابع نظر وی می‌شویم (البته در این صورت باید صلاحیت دار بودن او را از راه مشاهده و یا استدلال اثبات کرده باشیم اگر چه مشاهده یا استدلال توانایی آن مطلب را نداشته باشیم) این است مجموعه راه‌هایی که انسان با هدایت دستگاه آفرینش، می‌پیماید.^(۱)

قرآن کریم نیز به برخی از ابزارهایی

که انسان می‌تواند با جهان بیرونی تماس برقرار کند و از آن آگاه شود اشاره نموده و از «سمع و بصر» به عنوان ابزار حسی و از «فؤاد» به عنوان ابزار شناخت «عقلی و فکری» یاد کرده است. می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾. (۲)

«از آن چه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل همه مسئولند».

«سمع» و «بصر» دو نمونه از ابزار شناخت و مجاری اولیه ادراک آدمی می‌باشند و «فؤاد» همان جان و حقیقت انسان است که مرکز تشخیص و تصدیق حق و باطل می‌باشد.

در آیه دیگر می‌فرماید:

﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾. (۳)

«و خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ

۱. علامه طباطبایی، معنویت تشیع، ص ۲.

۲. اسراء (۱۷): ۳۶.

۳. نحل (۱۶): ۷۸.

حسن و تجربه به دست آورد زیرا جهان آخرت و حوادث آن را خواه مربوط به باطن جهان بدانیم یا پس از دنیا، در هر حال از امور غیبی است و قابل درک حسی و تجربی نمی‌باشد. نمونه‌های عینی و تجربی عالم آخرت مانند داستان ابراهیم و احیای مردگان هم که در قرآن آمده، در صدد بیان امکان وقوعی حیات اخروی و یادآوری علم فراگیر و توانایی گسترده خدای تعالی به برپایی رستاخیز از باب تمثیل «شاهد بر غائب» و از طریق قاعده «حکم الامثال» است و هیچ دلالتی بر حسی و تجربی بودن عالم رستاخیز ندارد.

۲. کشف و شهود

اصل رسیدن به معاد از راه کشف و شهود امر ممکن و شدنی است، بدین گونه که انسان از راه علم شهودی، به شناسایی عوامل پرداخته و به اسرار و باطن آن آگاهی پیدا کند، همان گونه که ایمان برخی از اولیا به قیامت شهودی بوده است. امام علی علیه السلام درباره شهود رستاخیز می‌فرماید:

«لو کُشف الغطاء ما ازددتُ

چیز نمی‌دانستید، و برای شما، گوش و چشم و عقل‌ها قرار داد، تا شکر نعمت او را به جا آورید!».

پس به طور کلی راه‌هایی که بشر می‌تواند از آنها به تحصیل معرفت دست یابد عبارتند از:

۱. حس و تجربه که مبتنی بر مقدمات حسی و تجربی است.

۲. کشف و شهود که کانون آن قلب است.

۳. عقل و برهان، به این معنا که با مقدمات بدیهی به علم و یقین و معرفت جدیدی رسید.

۴. نصوص و ظواهر دینی که همان آیات و روایات است.

ابزار شناخت عالم آخرت

اکنون باید ببینیم چگونه می‌توان از راه‌های یاد شده، درباره حیات اخروی آگاه شد. هر یک از این ابزارها را بررسی و کارکرد هر یک از آنها را درباره عالم آخرت مورد ارزیابی قرار می‌دهیم:

۱. حس و تجربه

تردیدی نیست که آگاهی از عالم آخرت و ویژگی‌های آن را نمی‌توان از راه

یقیناً»^(۱) «اگر پرده‌ها کنار رود بر باور و یقین من اضافه نمی‌شود».

از این رو اگر چه آگاهی به عالم آخرت از راه کشف و شهود شدنی است ولی اولاً، راهی طولانی و دشوار است که به سادگی برای غیر اولیای خدا به دست نمی‌آید و مقدور همه انسان‌ها و رهپویان نیست. ثانیاً، چون با مکاشفه و علم حضوری است قابل استدلال برای دیگران و انتقال به غیر جهت تعلیم و تعلم نمی‌باشد. ثالثاً، اگر هم قابل استدلال به علم حصولی برای دیگران باشد در صورتی ارزشمند، آگاهی‌بخش و اطمینان‌آور است که همراه با استدلال و دلیل نقلی معتبر از معصومان علیهم‌السلام باشد. از این رو باید به سراغ راهی عمومی و اطمینان‌بخش رفت.

۳. عقل و استدلال عقلی

درباره این که آیا معاد و آگاهی از آن با استدلال عقلی اثبات‌پذیر است یا نه، دیدگاه‌های گوناگونی از طرف اندیشمندان ذکر شده است.

دیدگاه متکلمان

اشاعره بر این باورند که دلیل وقوع معاد، نقلی است و عقل را بر وقوع آن

راهی نیست، اما معتزله آن را عقلی می‌دانند.^(۲) برخی از متکلمان امامیه همانند «علامه حلی» و «خواجه نصیرالدین طوسی» بر امکان وقوعی و ضرورت معاد، از راه عقل استدلال کرده و معاد جسمانی را ضروری دین شمرده و آن را از راه نقل اثبات کرده‌اند.^(۳)

«شیخ الرئیس» بر این باور است که برای عقل راهی به اثبات معاد جسمانی نیست و آن چه از نظر عقل قابل اثبات است صرفاً معاد روحانی است. وی در این باره می‌نویسد:

«إن المعاد منه ما هو منقول من الشرع ولا سبيل إلى اثباته إلا من طريق الشريعة وتصديق خبر النبوة وهو الذي للبدن عند البعث وخيرات البدن وشروبه معلومة لا يحتاج أن تعلم... ومنه ما هو مدرک بالعقل والقياس البرهاني وقد صدقته النبوة وهو السعادة والشقاوة الثابتان بالمقائيس للأنفس».^(۴)

۱. علامه مجلسی، ۱۴۰۳، بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۱۵۳.

۲. تفتازانی، شرح المقاصد، ج ۵، ص ۹۱.

۳. علامه حلی، کشف المراد، ص ۴۰۶-۴۰۵.

۴. ابن‌سینا، ۱۳۶۴، النجاة، ص ۲۹۱۲ و نیز

تفاوت‌هایی بین آن دو هم سخن رانده که برخی از آنها را فیض کاشانی بیان کرده است. (۲)

محمد رضا حکیمی از پیروان «مکتب تفکیک»، در صدد جداسازی بین مشرب فلسفی و روش تفسیر وحیانی ملاصدرا برآمده و با تقطیع و تفکیک عبارات وی در صدد برآمده که اثبات کند معاد جسمانی که وی در مشرب وحیانی به اثبات رسانده همان معاد جسمانی است که در قرآن آمده است اگر چه در روش فلسفی وی چنین برداشتی نمی‌شود. (۳)

از این رو می‌توان گفت، بسیاری از اندیشمندان، به آن بخش از شناخت مبدأ و معاد که از طاقت عقل بشر بیرون است دست نیافتند. ملاصدرا در این زمینه می‌نویسد: «علم معاد از پیچیده‌ترین، شریف‌ترین و دقیق‌ترین علوم است که

«قسمی از معاد، همان معادی است که از طرف شرع نقل شده و راهی برای اثبات آن جز از راه شریعت و اذعان خبر پیامبر ﷺ نیست و آن معاد بدنی (جسمانی) هنگام برانگیختن و قیامت است، خیرات و ثواب و شرور و کیفر معاد بدنی معلوم و روشن است... و قسم دیگر معاد، همان معادی است که با عقل و استدلال برهانی ادراک می‌شود و مقام نبوت آن را تصدیق کرده است و آن سعادت و شقاوت در مقایسه با نفس (معاد روحانی) است».

«صدرالمتألهین» ضمن خرده‌گیری بر ابن‌سینا می‌نویسد:

«آنها انوار حکمت را از مشکاة نبی خاتم ﷺ اقتباس نکردند». وی با بیان مقدماتی که در کتاب‌های مختلف خود (۱) در صدد اثبات عقلانی معاد جسمانی برآمده و با استشهاد به آیات و روایاتی، به پیشرفت‌هایی هم نایل آمده ولی هرگز موفق به اثبات معاد جسمانی با بدن عنصری که معاد قرآنی است نشده است. وی اگر چه به معاد جسمانی و روحانی و عینیت بدن دنیوی و اخروی تصریح نموده ولی در عین حال از

کتاب الشفاء الالهیات، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۴۲۳.
 ۱. ملاصدرا، ۱۹۸۱م، الاسفار الاربعه، ج ۹، ص ۱۹۸-۱۸۵ و همو، عرشیه، ۱۳۶۱، ص ۲۴۵.
 ۲. فیض کاشانی، ۱۳۶۲، اصول المعارف، ص ۲۰۰-۱۹۶.
 ۳. حکیمی، ۱۳۸۱، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، ص ۲۹۷.

تنها اندکی از حکیمان گذشته به حقایق آن راه یافته‌اند»^(۱) لذا راه دیگری لازم است که انسان را به حقیقت آن عالم راهنمایی نماید.

۴. وحی و پیامبران

راه وحی راهی است که خداوند در اختیار انبیا قرار داده و انسان‌ها می‌توانند از آن برای اثبات بسیاری از مسایل رستخیز استدلال کنند. از آن نظر که آگاهی ما به رستخیز و به تبع آن ایمان ما به حیات اخروی و ویژگی‌های آن، ناشی از اعتقاد به خدا و اعتماد به پیامبران و راستی گفتار آنان است (که در جای خود با براهین عقلی و منطقی، اثبات شده است) در نتیجه، لازم است، آن چه را که پیامبران از معارف غیبی از طرف خدا برای سعادت و راهنمایی بشر آورده‌اند پذیرفته و به آن ایمان بیاوریم، زیرا پیامبران خدا بوده‌اند که معارف الهی را در اختیار بشر قرار داده‌اند و انسان را با حقیقتی خطاناپذیر و برتر آشنا ساختند. پیامبران حقایقی را به انسان آموختند که انسان‌ها بدون وحی و اتصال به عالم غیب هرگز به آنها آگاهی پیدا

نمی‌کردند، قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ»^(۲).

«همان طور که در میان شما فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم که آیات ما را بر شما می‌خواند و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آن چه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد».

از جمله پایانی آیه شریفه استفاده می‌شود که پیامبران دانش‌هایی را به آدمیان آموزش می‌دهند که آگاهی بر آنها جز از راه وحی شدنی نیست و انسان‌ها نمی‌توانستند از غیر راه وحی و نبوت به آنها آگاه شوند.

«خواجه نصیرالدین طوسی» از جمله فواید بعثت پیامبران را آگاه کردن انسان‌ها به اموری می‌داند که عقل مستقلاً آنها را درک نمی‌کند، وی در این باره می‌نویسد:

۱. ملاصدرا، همان، ج ۹، ص ۱۷۹.

۲. بقره (۲): ۱۵۱.

و اندیشه توقف دارد، حَتَّى حَجَّيْتُ وَحِي
هم بعد از ثبوت عصمت است و پذیرش
سخن معصوم نیز امری ضروری است، و
این ضرورت به حکم عقل و خرد است.
«عبدالرزاق لاهیجی» در این باره
می‌نویسد:

بباید دانست که دلیل عقلی آن است
که جمیع مقدماتش عقلی باشد و سمعی
آن است که یا جمیع مقدماتش سمعی
باشد و یا بعضی سمعی و بعضی عقلی، و
قسم اول اعنی آن که جمیع مقدماتش
سمعی باشد متحقق نتوان بود چه دلیل
سمعی لا محاله موقوف است بر علم به
صدق رسول و این علم حاصل نتواند شد
مگر از راه عقل و الاّ دور لازم آید.^(۳)

از این رو اصل امکان ذاتی و وقوعی و
ضرورت رستاخیز، از راه عقل و وحی
اثبات می‌شود ولی فهم بسیاری از
ویژگی‌های آن از جمله چگونگی حیات
اخروی، صراط، میزان، محدوده بهشت و
جهنم و مواقف دیگر در گرو ایمان و

«أَلْبَعَثَةُ حَسَنَةً لَّاشْتِمَالِهَا عَلَى فَوَائِدِ
كَمَعَاظِدَةِ الْعَقْلِ فِيمَا يَدُلُّ عَلَيْهِ وَاسْتِفَادَةُ
الْحَكْمِ فِيمَا لَا يَدُلُّ».^(۱)

«برانگیختن پیامبران حسن است زیرا
فواید زیادی دارد مانند یاری و تأیید عقل
در احکام و معارفی که عقل به تنهایی به
آن راه‌نمایی می‌شود و بهره‌مندی از
احکام و اصولی که عقل و خرد را به آنها
راهی نیست».

آیت الله جوادی آملی در شرح آن
می‌نویسد:

«بعثت انبیا اموری را که عقل مستقلاً
آنها را درک نمی‌کند و درباره آنها به
استقلال، قضا و حکم ندارد تبیین می‌کند.
مثلاً عقل انسان بعضی از صفات جزئیة
خداوند مانند سمع و بصر و کلام الهی و
هم چنین حقیقت معاد و چگونگی آن و
احکام الهی را درک نمی‌کند و باید آنها را
از نقل استفاده کند».^(۲)

البته اعتماد بر وحی هرگز به معنای
تعطیلی کلی عقل و انزوای آن نیست زیرا
عقل یکی از حجت‌های باطنی خداوند و
از منابع احکام دینی، ابزار فهم و تفسیر
کتاب و سنت است، از این رو معرفت
بنیادین دینی بر تفکر عقلی و استمداد عقل

۱. همان، علامه حلی، ص ۳۴۶.

۲. جوادی آملی، ۱۳۸۴، انتظارات بشر از
دین، ص ۴۰.

۳. لاهیجی، ۱۳۷۲، گوهر مراد، ص ۴۰۱.

اعتقاد به پیامبران و وحی الهی است. لذا اگر چه قرآن بر مسایل اعتقادی و از جمله معاد، استدلال برهانی و عقلانی کرده است و انسان‌ها را به تفکر و اندیشه و اقامه دلیل دعوت نموده است. اما فراتر از آن مسئله معاد یک مقوله ایمانی و غیبی است که سزاوار است که هر موردی را که انسان موضوعی را نتوانست از راه عقل بر آن استدلال کند و یا مطابق عقل و استدلال عقلی نیافت، حقیقت آن را به راسخان در علم و معصومان علیهم‌السلام واگذارد. استاد جوادی آملی در این باره می‌نویسد: چون عقل به قصور خود در بسیاری از معارف جهان هستی آگاه است ضرورت معلّم غیبی را درک نموده آن را می‌پذیرد. (۱)

جان سخن این است که راه فهم همه چیز به روی عقل باز است ولی توان عقل برای درک برخی از امور محدود بوده و نیاز به کمک بیرون از خود دارد، از این رو نمی‌توان در وادی شناخت حیات اخروی و کیفیت آن بی‌مدد از وحی و با تکیه بر عقل مستقل از نقل به سر منزل نهایی رسید.

«مدرس زنوزی» در این باره

می‌نویسد: طریق نجات آن است که انسان پس از اطلاع از رؤس مسایل اعتقادی، بنای اعتقاد خود را بر این بگذارد که هر یک از آنها را که مطابق اعتقاد ائمه معصومین علیهم‌السلام است معتقد باشد و هر یک را که مطابق نباشد منکر، همین قدر ناجی بود مگر بعضی از اعتقادات که موقوف علیه اصل شرع و دین باشد. (۲) وی در جای دیگر می‌نویسد: درک حقیقت معاد و دست یافتن به آن جز با استفاده از نور نبوت خاتم الانبیا علیهم‌السلام و بهره‌مندی از هدایت اولیا امکان‌پذیر نیست. (۳)

«کندی» می‌گوید: دلایل قرآنی به دلیل الهی بودنشان مطمئن‌تر، یقینی‌تر و مقنع‌تر از دلایل فلسفی هستند که بشری است، دلایل قرآنی اعتقادی صریح و قابل فهم است بنابراین چنین دلایلی به یقین و اقناع می‌انجامد به همین جهت بر دلایل فیلسوف برتری دارد. (۴)

۱. جوادی آملی، همان، ص ۵۶.

۲. مدرس زنوزی، ۱۳۷۶، بدایع الحکم، ص ۵۲۸-۵۲۷.

۳. مدرس زنوزی، معاد از دیدگاه حکیم زنوزی، ص ۶۸۰.

۴. میرمحمد شریف، ۱۳۶۲، تاریخ فلسفه

عرفانی، عقل و وحی این نتایج حاصل می‌شود:

۱. از آن رو که حیات اخروی باطن عالم و امر غیبی است و درباره امر باطنی و غیبی با ابزار حسی و تجربی نمی‌توان داوری کرد، هرگز نمی‌توان با حواس ظاهری و تجربه که مبتنی بر مشاهده و تکرار امری پی در پی است به زندگی اخروی استدلال نموده و آن چه به عنوان نمونه‌های تجربی رستاخیز در دنیا در قرآن آمده برای تقریب به ذهن و تمثیل و امکان وقوعی رستاخیز و توانایی خدا بر بازآفرینی است.

۲. راه‌یابی به عالم آخرت از راه مکاشفه عرفانی امر شدنی است همان گونه که برای اولیای خدا محقق شده است ولی راهی دشوار، طولانی و در عین حال در توان همه آدمیان نبوده و قابل استدلال برای غیر نیست و اگر به صورت علم حصولی نیز درآید نیاز به تأیید معصومان علیهم‌السلام است.

۳. امکان ذاتی و وقوعی رستاخیز و

«شهید مطهری رحمته‌الله» می‌نویسد: هیچ کس از بزرگان در باب معاد صد درصد (به تفسیر خود مطمئن) نیست و بالاخره به یک مرحله می‌رسند که مرحله تسلیم و تعبد است.^(۱)

پس مطمئن‌ترین راه برای شناخت مسایل مربوط به معاد راه وحی با استمداد از استدلال عقلی است و این جمع بین دلیل عقلی به امکان معاد، دلالت نقلی از آیات و روایات به وقوع و چگونگی حیات اخروی است.

این روش امتیازات ویژه‌ای دارد از جمله:

۱. بسیاری از احوال جزئی و خصوصیات دقیق زندگی اخروی را که از توان درک عقلی بشر خارج است روشن کرده است.

۲. با عصمت و خطاناپذیری وحی به درستی شناختی که به دست می‌آید می‌توانیم اطمینان داشته باشیم.

نتیجه‌گیری

با بررسی هر یک از ابزارهای چهارگانه شناخت عالم آخرت که عبارت است از حس و تجربه، شهود

در اسلام، ص ۶۰۰.

۱. مطهری، ۱۳۷۶، مجموعه آثار، ج ۴، ص

نیز ضرورت معاد را می‌توان از راه عقل بر آن استدلال کرد همان‌گونه که خدای تعالی به گونه‌های مختلف بر آن اقامه دلیل نموده است. ولی برخی از ویژگی‌های عالم آخرت به اعتبار فراعقلی بودن از رصد عقل و علم بشری بیرون است و نیازمند به ابزار خطاناپذیر و اطمینان‌بخش به نام وحی الهی است و این غیر از مخالفت یا موافقت عقل است بلکه از باب سکوت عقل در داوری است.

۴. اگر چه عقل یکی از منابع فهم متون دینی و معارف الهی و از حجت‌های باطنی خداوند است که در اختیار بشر قرار گرفته است ولی برخی از معارف به گونه‌ای است که عقل به تنهایی توانایی

درک و داوری درباره آن را ندارد مانند صفات جزئیة خداوند و حقیقت و کیفیت رستاخیز که فهم آن از عهده عقل خارج است. از این رو نیاز به منبع و چراغ نورانی‌تری است که بشر را از تحیر و سرگردانی برهاند و به وادی امن و آرامش به سلامت رساند و آن وحی الهی است چرا که از جمله فلسفه بعثت پیامبران، آموزش معارف و حقایق بوده است که بشر به تنهایی توانا به درک آنها نیست و اگر پیامبران الهی نبودند هرگز انسان راهی به آنها پیدا نمی‌کرد. ویژگی این راه علاوه بر این که احوال جزئی و خصوصیات دقیق عالم آخرت را ذکر می‌کند با عصمت و خطاناپذیری آن سبب اطمینان و آرامش انسان می‌شود.

